

(مطبوعه و اداره خانه اختر)

اسلامبول خان والده در دائره
مخصوصه است. کارهای متعلق
به اداره راجع به اقا محمد طاهر
صاحب امتیاز اختر است
اسامی وکلای کرام در مالک
دور و نزدیک کاهی در صفحه
آخرین نکاشته می شود
هفته ۳۰ ربیع الاول ۱۳۱۴
۷ آگستوس رومی سنه ۱۳۱۲
۸ سپتامبر ماه فرنگی سنه ۱۸۹۶



* (تعارف بدلات - البابه)

در سعادت ۴ مجیدی سپهر
دیگر مالک محروسه عثمانی و مجیدی
مالک محروسه ایران سی و پنج فران
مالک هندوستان و بنادر ۱۲ رومی
مالک روس و قفقاز ۱۰ منات
مالک اروپا ۲۵ فرانک
بنا نصفه ۶۰ پاره است
اجرت پوست همه جا بر مده
اداره است.

مفتی اول حاجی میرزا مهدی نوریزیت

در این روزنامه از هر گونه وقایع و اخبار و سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عمومی - من گفته میشود. هفته یکبار طبع
(بیکر دو اوراق و خوشتهای سود مند را باستان می بذریم. در خوشتن کاغذهایی که از خارج می رسد اداره مختار است. کاغذی راه)
(نوشت: نمی شود ساحتش حق استرداد آ را ندارد کاغذ هنی که بول پوست ندارد گرفته نمی شود)

نقد روزنامه اختر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

عبدالمهدی رجایی

آن را بشناسیم. اسلامبول که اختر آن را
«مدار موازنه پولتیک جهانی»^۱ می نامد،
پایتخت امپراطوری وسیعی است که
دروازه هایش را به سوی غرب گشوده
است. آنجا نهضت اصلاحی «تنظیمات» را
سی سال پیش تجربه کرده و
سلطان عبدالحمید ثانی دستور تدوین
قانون اساسی را صادر کرده است. در این
شهر ۱۶ روزنامه ترکی، ۳ روزنامه
فرانسوی، هفت روزنامه رومی، شش
روزنامه ارمنی، دو روزنامه عربی، دو
روزنامه بلغاری منتشر می شود^۲ و اداره

پایتخت امپراطوری وسیع عثمانی به
چاپ رسید.
آنچه در پی می آید نقدی است بر
انتشار این روزنامه.

نقد یک روزنامه با عمر ۲۳ ساله و
سرشار از فراز و نشیب، کار آسانی نیست.
بخشی از این کار دشوار در کتاب «ایران و
عثمانی در آستانه قرن بیستم» انجام شده
است. اما نگارنده این سطور می کوشد به
مسائلی فراتر از آن کتاب بپردازد.
برای شناخت اختر باید نخست زادگاه

اشاره:

نخستین شماره کاغذ اخبار، اولین
روزنامه فارسی زبان چاپ ایران، در
سال ۱۸۳۷ م یعنی حدوداً ۱۶۳ سال
پیش منتشر شد. ولی از انتشار اولین
نشریه فارسی زبان چاپ خارج یعنی
اخبار هندوستانی نزدیک به دو قرن
می گذرد.

در این مدت نشریات فارسی زبان
زیادی به دلایل گوناگون سیاسی،
اجتماعی و اقتصادی در خارج از کشور
به چاپ رسیده اند.

روزنامه اختر به عنوان اولین
روزنامه فارسی زبان در اسلامبول

مطبوعات وزارت داخله نظارت و کنترل آنها را به عهده دارد.

حجم اصلی کاروان تجاری ایران به اروپا از این شهر می‌گذرد و همچنین هرسال بخشی از حجاج ایرانی از این راه به مکه می‌روند. بدین سبب عده زیادی از ایرانیان در آنجا ساکن شده‌اند. علاوه بر آن ایرانیان بسیاری در جست‌وجوی کار و زندگی بهتر به آنجا روی آورده‌اند. در سال ۱۳۰۳ حدود ۱۶ هزار ایرانی در آن شهر زندگی می‌کرده‌اند که هزار نفر آنها به کار تجارت مشغول بوده‌اند.^۲ دو سال بعد ده‌هزار و هشتصد ایرانی به وسیله سفارت ایران صاحب تذکره شده‌اند.^۴ زندگی در غربت و آشنایی با نظام‌های جدید اجتماعی آنها را به دور هم جمع کرده بود. در سال ۱۲۹۷ عده زیادی از آنها انجمنی ترتیب دادند و به فعالیت‌های جمعی از جمله تأسیس «تکیه حسینیّه و دبستان ایرانیان» پرداخته^۵، بعدها اختر از یک شرکت «طباعت ایرانیه» نیز خبر داد.^۶ علاوه بر آن اختلافات و رقابت‌های دائمی میان دربار تهران و اسلامبول، شهر اخیر را مرکزی برای فعالیت مخالفان سیاسی تهران کرده بود. پس از انحلال فراموشخانه ملکم در سال ۱۲۷۸ مؤسسين و تعدادی از اعضای آن به این شهر گریختند.^۷ همچنین دولت عثمانی به شیخ عبیدالله در کشور خود پناه داد.^۸

نکته‌ای که باید گفته شود، نقش بارز سفارت ایران در جریانات آنجاست؛ سفارتی که از هر جهت مدیون دوره ۱۲ ساله میرزا حسین خان سپهسالار است. او در مدت سفارت خود به روشنفکران تبعید شده به آنجا نزدیک شد که معروف‌ترین آنها میرزا ملکم خان بود. پس از سپهسالار و بعد از یک دوره کوتاه دوساله سفارت ایران به دست حاج محسن خان معین‌الملک افتاد. او با عناصر اصلاح‌طلب داخلی از جمله علی‌خان امین‌الدوله آشنایی و پیوند خویشی داشت^۹ و با همین پشتوانه منشأ کارهای بزرگی در آنجا شد او در دوره ۱۸ ساله

سفارت خود روزنامه اختر را به راه انداخت و کوشید با دیپلماسی قوی خود توجه دولتمردان ایران و عثمانی را به لزوم انتشار روزنامه مذکور جلب کند. نایب اول و مترجم سفارت را نیز به خدمت اداره اختر فرستاد.^{۱۰} پس از او این وظیفه را میرزا اسدالله خان ناظم الدوله بر عهده گرفت.

در ایران برای حضور روزنامه‌ای چون اختر زمینه بسیار فراهم بود چرا که ایران تنها روزنامه منتشره، اقسار علاقه‌مند و آگاه ایرانی را ابقاء نمی‌کرد. یکی از

می‌کرد و هم به تحلیل داده‌های خود می‌پرداخت و از این طریق اذهان مخاطبان خود را هدایت می‌کرد.

اختر از همان ابتدا برخلاف عادت مردم ایران به سراغ چاپ سری رفت و سبک نگارش ساده‌ای را برای خویش برگزید چرا که معتقد بود «گازت و روزنامه به جهت بیان مطلب است نه فضیلت فروشی».^{۱۲}

در این فضا به تاریخ ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ ه. ق مطابق با ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ نخستین شماره اختر به دست

■ برای شناخت اختر باید نخست زادگاه آن را بشناسیم. اسلامبول که اختر آن را «مدار موازنه پولتیک جهانی» می‌نامد، پایتخت امپراطوری وسیعی است که دروازه‌هایش را به سوی غرب گشوده است.

■ حاج محسن خان معین‌الملک در دوره ۱۸ ساله سفارت خود در اسلامبول، روزنامه اختر را به راه انداخت و کوشید با دیپلماسی قوی خود توجه دولتمردان ایران و عثمانی را به لزوم انتشار روزنامه مذکور جلب کند. وی نایب اول و مترجم سفارت را نیز به خدمت اداره اختر فرستاد.

فارسی زبانان اسلامبول رسید. سرلوحه روزنامه، اطلاعاتی راجع به حوزه کار آن ارائه می‌داد.

«این گازت از حوادث گوناگون و از سیاسات و پولتیک و از تجارت و علم و ادب دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هرگونه مواد مفیده عامه مجاناً قبول و طبع خواهد شد.»

نخستین کارکردی که اختر برای خویش در نظر داشت، آن بود که در کشور عثمانی نیز روزنامه‌ای به زبان فارسی منتشر شود. این را در اولین مقاله خود

خوانندگان اختر می‌نویسد: مضامین آن تنها آن است که «فلان ولایت از حسن اهتمام فلان حاکم یا فلان وزیر در کمال نظم و آبادی است.» «یا مسافرت فلان فرنگی است یا ترجمه تاریخ ابن بطوطه»^{۱۱}. البته از دستگاه سانسور وزارت انطباعات ناصری انتظار بیشتری نمی‌رفت.

مسأله دیگر آن که روزنامه ایران تنها جریان یکسویه، خشک و پالایش شده اخبار بود در حالی که اختر هم نظرات و دیدگاه‌های خوانندگان خود را منعکس

ابراز داشت: «هرگز روا نیست که در همچنان پای تخت معظم اقلأ یک روزنامه فارسی نباشد.»^{۱۳} البته کارکرد دیگری که اختر برای خویش پنداشته بود و در همین مقاله ذکر شد، آن بود که روزنامه مذبور «واسطه مزید روابط مناسبات ملل عظیمه مشرقستان»^{۱۴} باشد که منظور او ظاهراً ایران و عثمانی بود.

کارکرد دیگری که سفارت ایران برای اختر در نظر داشت و آن را از نامه معین الملک به شاه بعد از تعطیلی نخست می فهمیم، آن بود که سفارت، اختر را سلاحی علیه «یاوه گویی های روزنامه های ترک» می خواست.^{۱۵} با توجه به این قضایا می توان پی برد که چرا دولت ایران رضایت داد که در خارج از نظارت وزارت انطباعات خود، روزنامه فارسی منتشر شود.

اختر که به شکل روزانه منتشر می شد، با استقبال چندانی مواجه نشد چرا که ترک زبانان عثمانی «با آن به طور رقابت رفتار کردند»^{۱۶} و به این روزنامه فارسی توجهی نشان ندادند به گونه ای که اختر در پنجاه و نهمین شماره خود اعتراف می کند عمده مشتریان آن ایرانیان، هندیان و اهالی قفقاز هستند و به همین خاطر تصمیم گرفته شد «تا معلوم شدن تکلیف آینده» اختر تنها در روزهای چهارشنبه و شنبه منتشر شود. تأسیس یک دارالترجمه و پذیرش امور چاپ در مطبعه نیز نتوانست مخارج لازم را درآورد، پس به ناچار فشارهای مالی سبب شد که اختر در ۱۸ ربیع الاول ۱۲۹۳ بعد از انتشار پنجاه و نهمین شماره خود از ادامه فعالیت باز ماند و بعد از سه ماه تعطیلی در ۲۵ ذیحجه آن سال دوباره کار خود را از سر بگیرد. اما این بار اختر به وسیله یک «کومپانی معتبر» حمایت مالی می شد^{۱۷} و در این مدت دولت ایران نیز برای از سرگیری کار اختر یکصدلیه کمک کرد.^{۱۸} با شواهد زیادی می توان گفت که اختر در ابتدا تنها حوزه کار خود را مملکت عثمانی قرار داده بود.^{۱۹} اما گویا

■ در ایران برای حضور روزنامه ای چون اختر زمینه بسیار فراهم بود چرا که «ایران» تنها روزنامه منتشره، اقصای علاقه مند و آگاه ایرانی را اقناع نمی کرد.

■ اختر از همان ابتدا برخلاف عادت مردم ایران به سراغ چاپ سربی رفت و سبک نگارش ساده ای را برای خویش برگزید چرا که معتقد بود گزات و روزنامه به جهت بیان مطلب است نه فضیلت فروشی.

اولین صفحه شماره نخست منتشره هر سال در اول محرم عدد یک می گرفت و به همین ترتیب تا آخر سال این روند ادامه داشت.

بعد از مدتی اختر اعلام کرد که چون اوضاع پست به واسطه جنگ بین روس و عثمانی بحرانی است، تنها در روزهای چهارشنبه روزنامه منتشر می شود. از این پس اختر به شکل هفتگی منتشر شد.^{۲۰}

گسترش کار روزنامه سبب شد اختر «به جهت تنگی مکان» سه بار محل اداره خود را عوض کند و از «شارع ابوسعید» در نهایت به «دایره مخصوص شماره ۷ در پیشگاه بابعالی» نقل مکان کند. در سال ۱۶ انتشار نیز اختر از کتابخانه خود خبر می دهد جایی که کتب عربی، فارسی و ترکی چاپ شده در هندوستان، ایران، عربستان و عثمانی فروخته می شود و مشترکین می توانستند با دادن وجه کتاب ها به وکلای اختر آن کتاب ها را بخرند.

اندک اندک وقتی که اختر راه خود را از دولت ایران جدا می کند و روشنفکران و آگاهان جامعه آن را عرصه ارائه نظرات خود می کنند، میزان نفوذ و تیراژ اختر افزایش می یابد. در سال ششم اختر بنا به درخواست عده ای تعداد مشترکین خود را به تفکیک شهرها اعلام می کند و در این جدول نام بسیاری از شهرهای ایران آمده

بیست و هفتمین شماره آن به دست ایرانیان ساکن قفقاز افتاده بود^{۲۱} و در سی و دومین شماره خود خبر می دهد که روزنامه به تبریز نیز رسیده است اگر چه عده ای از آن استقبال کرده اند و عده ای هم «عظم و اعتباری برای آن قرار نداده اند»^{۲۲} گویا این بی توجهی به خاطر آن بوده که آنها معنی بعضی اصطلاحات دولتی پولیتیک و حکمتی آن را نفهمیده اند.^{۲۳}

اختر در ابتدا توجه زیادی به اخبار ایران نداشت و نخستین بار در شماره ۱۵ سال سوم خود خبر جشن سی امین سال سلطنت ناصرالدین شاه را به نقل از روزنامه ویسندابند پست (Windabond Post) چاپ کرد.

در شماره بعد بود که به نقل از روزنامه ایران همین خبر را به چاپ رساند.^{۲۴} در شماره چهار سال سوم نخستین وکلای خود را در تهران، تبریز، رشت، تفلیس، بمبئی و مدارس به خوانندگان خود معرفی می کند و برای اولین بار به جز پول عثمانی در سرلوحه روزنامه قیمت خود را به واحد پول ایران، روسیه و اروپا می نگارد.^{۲۵} و^{۲۶}

اختر از ششمین شماره سال سوم خود تصمیم گرفت برای هر صفحه روزنامه شماره ای معین کند تا اگر ضمیمه ای هم داشته باشد، مشخص باشد و این اعداد در آخر سال دوباره تجدید می شدند. یعنی

که در تهران ۹۰، در تبریز ۷۰، در کرمانشاه ۴۰، در خراسان ۳۶، در شیراز ۳۱ و در اصفهان ۲۶ مشترک دارد. اختر در خاک عثمانی ۱۵۰ مشترک دارد. در هندوستان ۵۵ نسخه می فروشد. در لندن، پاریس و وین به ترتیب شش، دو، پنج مشترک دارد. اما جالب تر آن که وزارت معارف انگلستان مشترک ۱۰۰ نسخه آن است. به هر حال مجموعاً اختر ۷۸۸ نسخه برای مشترکین خود می فرستد.^{۲۷} افزایش نفوذ اختر را از آنجا می توان فهمید که در سال های بعد این روزنامه در بسیاری از شهرهای عثمانی، جنوب روسیه، ایران و هندوستان نمایندگی یا وکیل تعیین

بهرتر است ستون های مختلف این روزنامه در سال پانزدهم انتشار - سال ۱۳۰۶ - شرح داده شود. اختر در این سال در ۱۲ صفحه و به قطع ۲۸×۴۰ سانتیمتر چاپ می شد. ستون نخست آن «سیاسی» بود که به ذکر حوادث سیاسی جهان و تحلیل مجموع آنها اختصاص داشت. سپس نوبت به «خبرهای تلگرافی» می رسید. در آنجا اخبار تلگرافی را از سراسر جهان از جمله ایران چاپ می کرد. سپس اخبار سیاسی رسیده را همراه با تحلیل یا ابراز نظرات خود چاپ می کرد. این خبرها جداگانه چاپ می شد. در ستون «مباحث صحیه» راجع به بهداشت و پزشکی

عمر خود ادامه می داد. به طوری که تعطیلی ۱۸ ماهه سال ۱۲۹۹ آن را از خاطر مردم زدود و بالاخره در سال ۱۳۱۴ عمر آن به پایان رسید. در این که آخرین شماره اختر کدام است، بین محققین اختلاف نظر وجود دارد. صدرهاشمی تعطیلی اختر را در سال ۱۳۱۳ می داند^{۲۰} و رحیم رئیس نیا با آن که احتمال می دهد انتشار اختر به سال بعد هم کشیده شده باشد، عنوان می کند که شماره ای متعلق به سال ۱۳۱۴ را ندیده است.^{۲۱} اما نگارنده در مجموعه موجود در کتابخانه ملی تا دهمین شماره سال ۱۳۱۴ را دیده است و آخرین شماره موجود در آنجا نیز همین شماره ۱۰ است که ۳۰ ربیع الاول ۱۳۱۴ منتشر شده و در آن هیچ نشانه ای از پایان عمر روزنامه دیده نمی شود.

■ نخستین کارکردی که اختر برای خویش در نظر داشت، آن بود که

در کشور عثمانی نیز روزنامه ای به زبان فارسی منتشر شود. این را در اولین مقاله خود ابراز داشت: هرگز روا نیست که در همچنان پای تخت معظم اقلای یک روزنامه فارسی نباشد.

■ اختر که به شکل روزانه منتشر می شد، با استقبال چندانی مواجه نشد چرا که ترک زبانان عثمانی با آن به طور رقابت آمیزی رفتار کردند.

■ با شواهد زیادی می توان گفت که اختر در ابتدا تنها حوزه کار خود را مملکت عثمانی قرار داده بود.

می کند و در سال بیستم انتشار در پاسخ روزنامه اطلاع خدا را سپاس می گوید که نسخه های اختر در «عثمانی، ایران، هند، سند، چین، ژاپون، امریکا، اروپ و تمامی ممالک روس» به فروش می روند.^{۲۸}

نفوذ روزنامه در جامعه ایران به حدی رسید که مؤلفان ایرانی کتب چاپ شده خود در ایران را به وسیله فرستادن آگهی آن به اختر تبلیغ می کردند.^{۲۹} همچنین نامه های بیشماری که از اقصای نقاط ایران به آن روزنامه فرستاده می شد را نیز می توان دلیلی بر محبوبیت اختر در جامعه ایران به شمار آورد.

برای آشنایی بیشتر با روزنامه اختر

مطالبی گفته می شد. در ستون «اعلان» کتاب ها یا داروها یا ابزار تازه ساز معرفی و آگهی می شدند. در ستون «صراقیه» که از ابتدا تا انتهای عمر روزنامه همراه آن بود، نرخ ارزهای موجود در دنیا نسبت به پول عثمانی ذکر می شد. همچنین قیمت سهام بعضی از شرکت ها می آمد. در «رسم عالی جمعه» نیز خبرهایی از نماز جمعه اسلامبول می آورد. در ستون «توجهات» از اعطای نشان و درجه به نظامیان عثمانی اطلاع می داد و در لابه لای ستون های مذکور، نامه های خوانندگان خود را چاپ می کرد و به پاسخگویی آنها می پرداخت. اختر با قطع و وصل های فراوان به

الف: رابطه اختر با دولت ایران

در دوره حکومت استبدادی ناصری رابطه افراد و جریان ها را با مرکز قدرت نمی توان از ابتدا تا انتها یکسان فرض کرد بلکه باید دید در مقطع مورد مطالعه، این رابطه در فراز است یا در فرود، مثلاً میرزا ملکم خان زمانی به عنوان مطرود به عثمانی می گریزد. پس از مدتی سفیر کبیر ایران در لندن می شود، سپس عزل شده و با انتشار قانون سخت ترین دشمن دولت می شود. در حکومت مظفرالدین شاه سمت سفارت ایران را در رم به دست می آورد و همین نوع افت و خیزها را میرزا یوسف خان مستشارالدوله و حتی سید جمال الدین اسدآبادی هم تجربه می کنند.

خلاصه باید گفت همیشه مصالحی پیدا و پنهان نسبت هر جریان یا شخص را با مرکز قدرت تعریف می کند. اختر نیز چنین داستانی دارد. به جز کمک های پشت پرده که یک نمونه آن را در راه اندازی مجدد اختر پس از نه ماه تعطیلی از نظر گذرانیم، حکام، وزرا، شاهزادگان و حتی خود شاه آشکارا اختر را با حمایت های مادی و معنوی خود دلگرم می کردند. خبر اعطای

این هدایا نیز با سپاسگذاری فراوان در نخستین ستون روزنامه چاپ می‌شد. مثلاً در سال چهارم ولیعهد یک طاقه شال کرمانی^{۲۲} و ظل‌السلطان یک طاقه شال و پنجاه تومان پول^{۲۳} برای اختر می‌فرستد.

در سال ششم خبر عطیه ولیعهد تکرار می‌شود.^{۲۴} در سال هشتم نایب‌السلطنه کامران میرزا نیز ۱۸۷ تومان برای اختر می‌فرستد^{۲۵} و مهمتر آن‌که در سال بیستم انتشار بعد از بسیاری از فرازونشیب‌ها ناصرالدین‌شاه خود ۵۰۰ تومان به اختر کمک می‌کند که اختر در خبری بسیار تشکرآمیز با عنوان «تحدیث نعمت و عرض عبودیت» مفتخرانه آن را ذکر می‌کند.^{۲۶}

عناصر ترقی‌خواه حکومت از جمله امین‌الدوله وزیر پست کابینه امین‌السلطان روی خوشی به اختر نشان می‌دادند. وکالت اختر در شهرهایی که وکیل مخصوصی در آن شهر نبود، با اداره پستخانه آن شهر بود.^{۲۷}

ملاحظات آنکه این ارتباط را بدین حد نزدیک می‌کرد تا جایی که شاه در مقطعی به سفیر خود در اسلامبول نوشت: «هر نوع امداد به این روزنامه بکنید جا دارد. خرج صحیح است.»^{۲۸} آن بود که اختر در مواقعی با سیاست‌های حکومت ناصر می‌همسویی و همصدایی نشان می‌داد و در واقع به آن رشوه سیاسی می‌پرداخت. دو شخصیت مهم مخالف خارج از کشور در آن زمان میرزا ملکم‌خان و سید جمال‌الدین اسدآبادی بودند. اختر هیچ‌گاه به آنان روی خوش نشان نداد و درباره روزنامه قانون چیزی ننوشت. در سال ۱۳۱۱ که ماجرای لاتاری آشکار شده بود، خبر داد که اوراق چاپی به عنوان «عریضه شرکای کمپانی قرعه به اولیای دولت علیه ایران» به او رسیده پس به اظهار طعن‌های شدید نسبت به «مؤسس» آنها می‌پردازد که «نه از خیانت به وطن و به اینای مملکت خود باکی دارد و از نعمت‌های گوناگون که از خون پادشاه و ولی نعمت خود برده‌یاد

می‌آورد.»^{۲۹}

دو سال بعد نیز وقتی ورقه «اصول مذهب ایرانیان» به دست او رسید، خشمگینانه نوشت: نویسنده این کیست؟ شخصی است که نه مذهبش معین است و نه ملتش مسلمان است؟ خیر از منی است. می‌گوید نیستم یهودی است.^{۳۰} اختر در مقاله نخست به طرفداری از قاجاریه می‌پردازد چرا که آنان دولت جمع و مستقل و متحدی بر پا کردند و در مقاله دوم چاپلوسانه اظهار می‌دارد «آن آزادی که در ایران هست می‌توان گفت که در هیچ جا نیست.»^{۳۱} در سال ۱۳۰۹ وقتی که

مندرجات

سیاسی - خبرهای تکراری - توجیهات - نشان - کره بیه - یا تخم ابریم - تبریز - ایران - وفات پرنس لوبانوف - جواب روزنامه نمری - فنون - اینالی رازیل - بارش و طوفان - یونان - کشتی جنکی - اوستریا و رومانی - حکمران مریستان - زاپون - اعلان - سرافیه

سیاسی

مشغولیت عمده بسیاری از مطبوعات فرنگستان در ظرف این هفته منحصر بنگارش خبر وفات پرنس «لوبانوف» و وزیر خارجه روس و آیین وزیر خارجه دیگر بجای متوقی، مشارالیه است. روزنامه‌های مذکور از روی خدش نام چند نفری را نیز برای آن وزارت از بزرگان روس می‌شمارند ولی تا کنون از جانب اعلا حضرت امپراتور روس شخصی بطور رسمی وزارت مشارالیه معین نشده البته اینروزها خواهد شد. اینقدر هست که بسیاری از روزنامه‌های فرانسه، اوستریا و آلمان وغیره از وفات آن وزیر که هواخواه صلح

حرکات بی‌قاعده و ناشایست» مردم تبریز را آرام کند و عنوان کرد؛ مالیات پرداختی به دولت برای دفاع از کشور کافی نیست و دولت ناچار این امتیازات را می‌دهد و «دیگر عمرو و زید را نمی‌رسد که در مقابل اجراء آن دولت بدون مال‌اندیشی و ژرف‌بینی به ممانعت برخیزد.»^{۳۲} نکته دیگری که باید در این حوزه به ذکر آن پرداخت این است که اختر تمام دوران انتشار خود به تعریف و تمجید از کارگزاران رده بالای دستگاه حکومت ناصری می‌پرداخت. او علاوه بر شاه، صدراعظم و وزراء بسیاری از حکام

و مساکت عمومی بود اظهار تأسف و تأثر می‌کنند. اما تعارضات این تأثر در مطبوعات انگلستان مشهود نیست بلکه بالعکس تا بکدرجه خورسندی خود شان را نیز از این واقعه پشیمان نمی‌کنند و سبب آن هم معلوم نیست.

باری سبب عمده مشغولیت مطبوعات فرنگستان در این باب بلحاظ این است که مبادا بدینوسیله تغییری در وضع بولینیک دولت روس روی داده سبب ظهور انقلاب در وضع سیاسی دولتهای بزرگ فرنگستان گردد. ولی بسیاری از روزنامه‌های معتبر بترس بزرگ بدین تشویش خاطر مطبوعات اروپا پی برده می‌گویند دولت روس از مساکت صلحجوی خود بوجهی انحراف نخواهد جست و سبب وفات پرنس «لوبانوف» ممکن نیست که تغییری در مساکت سیاسی دولت مشارالیه روی دهد. هر گس تقسام وزارت خارجه روس بر آید هر آینه از مساکت مستقیم وزیر خارجه متواتر پیروی خواهد نمود.

ولایات را نیز تمجید می‌کرد و وقتی مورد اعتراض خوانندگان خود قرار می‌گرفت که این کار «مایه شکست اعتبار دیرین آن در انتظار ملت پرستان واقعی»^{۳۳} است، اظهار می‌داشت که اختر «آیین نیک و بد اعمال و افعال کارگزاران وطن است.»^{۳۴}

این نوع تمایلات اختر را می‌توان از خبر ترور ناصرالدین‌شاه نیز فهمید. او که این خبر را «مصیبت عظمی برای ایرانیان» می‌نامد، سخن از مرگ پادشاهی می‌گوید که کارنامه ۵۰ ساله حکومتش بسته شده و آماده معدل‌گیری است. با این حال با چشم‌پوشی از حقایق اظهار می‌دارد «در

سید جمال‌الدین همسو با سیاست عثمانی در اسلامبول اندیشه اتحاد اسلام را طرح می‌کرد، اختر در مقاله «تکفیرنامه‌اش» با عنوان «شیطان در لباس انسان» به مدح او پرداخت.^{۳۵}

در ماجرای نهضت تنباکو که می‌توان آن را مهم‌ترین حادثه سیاسی عصر اختر نامید، این روزنامه پس از آن‌که نقش مهمی در آگاه‌اندیدن مردم ایران نسبت به مضرات آن امتیاز داشت و بدین خاطر هفت ماه تعطیلی را پشت سر گذراند، شرایط دولت ایران برای ادامه کار را پذیرفت و سعی کرد با مقالاتی «پاره

حق تبعه و زیردستان چندان رؤف و مهربان بود که پدر بر اولاد. از کمال دقت از وضع معیشت اهالی هر مملکتی از ممالک ایران آگاهی داشتند.^{۴۶} بنابراین تا اینجای کار، نظر آقای خسروشاهی درست است که «اختر مزدور رژیم قجری بود.»^{۴۷} اما اینها همه یک روی سکه اختر بود و به راستی اگر اختر همین بود، این همه مورد توجه جامعه ایران واقع نمی‌شد. حقیقتی که اکثر سفرنامه‌های خارجی و ناظران عصر بر آن صحنه گذاشته‌اند.^{۴۸} یک انگلیسی درباره آن به لندن چنین گزارش می‌دهد: «این جریده... در ایران و آسیای

مقالات روشنفکران مستنفذی چون میرزا یوسف خان مستشارالدوله و میرزا آقاخان کرمانی پرداخت. نامه‌هایی از خوانندگان خود چاپ کرد که در آن از اوضاع آشفته و نابهنجار ایران سخن می‌گفتند، در سال سوم، تمام قانون اساسی ۱۱۹ ماده‌ای عثمانی را درج کرد که در آن مفاهیمی غریب اما شیرین چون احترام به حقوق فردی - مساوات در برابر قانون و آزادی مطبوعات آمده بود.^{۵۱} خلاصه در چهارمین سال انتشار خود اعلام کرد که از «وظایف مقدسه روزنامه‌نویسی» آن است که «مبنای کار

■ در سال ششم اختر بنا به درخواست عده‌ای، تعداد مشترکین خود را به تفکیک شهرها اعلام می‌کند و در این جدول نام بسیاری از شهرهای ایران آمده که در تهران ۹۰، در تبریز ۷۰، در کرمانشاه ۴۰، در خراسان ۳۶، در شیراز ۳۱ و در اصفهان ۲۶ مشترک دارد. اختر در خاک عثمانی ۱۵۰ مشترک دارد و در هندوستان ۵۵ نسخه می‌فروشد.

■ نفوذ روزنامه در جامعه ایران به حدی رسید که مؤلفان ایرانی کتب چاپ شده خود در ایران را به وسیله فرستادن آگهی آن به اختر تبلیغ می‌کردند.

مرکزی وسیعاً منتشر می‌شود... احساس عمومی در ایران این است که هرآنچه در اختر نوشته می‌شود حقیقت دارد.»^{۴۹} در جامعه استبدادزده و تک صدایی ایران مسلماً اختر باید صدای دیگری را هم منعکس کند تا بتواند به چنین موفقیتی دست یابد. با مروری به دوره ۲۳ ساله عمر اختر و کشمکشهای میان حکومتیان و آن روزنامه - امری که بیشتر کنجکاوی مردم را نسبت به روزنامه برمی‌انگیخت -^{۵۰} در می‌یابیم که اختر از همان سال‌های نخستین راه خود را از دولت و سفارت ایران جدا کرد، به چاپ با نام و بی‌نام

خود را به ترویج منافع ملک و ملت بگذارد، راهنمایی در آبادی اجزای مملکت کند... ستایش‌های بی‌معنی را پیشه خود نسازد.»^{۵۲} البته انتقادهای او نه به سبب دشمنی یا به قصد براندازی حکومت بود بلکه می‌خواست «از نقائص خودمان به قدری که آگاهی حاصل نمودیم به دولت و اولیای دولت اطلاع بدهیم و از سوءظن و بداندیشی که بیگانگان درباره دولت و ملتمان دارند، اولیای امور را مطلع سازیم.»^{۵۳} در توضیح مسأله اخیر باید بگوییم حکومت قاجار نسبت به نظر بیگانگان و روزنامه‌های آنها حساسیت

فوق‌العاده‌ای نشان می‌داد.

اختر در سی و هفتمین شماره خود مسأله ممنوعیت بیان حقایق برای احراز از «تخدیش اذهان» را به نقد می‌کشد و آن را «خلاف اساس مطبوعات» می‌نامد.^{۵۴}

سال بعد در نخستین خبر خود از ایران به نقل از روزنامه مفرح‌القلوب شدیداً حاکم بوشهر را مورد ملامت قرار می‌دهد که «نه جلوی دزدی را می‌گیرد و نه اموال مسروقه را می‌یابد.»^{۵۵} سال بعد نخستین برخورد اختر با دولت ایران اتفاق می‌افتد. اختر از قول «عبدالله» نامی خبر شورش مردم تبریز را علیه صاحب دیوان چاپ می‌کند.^{۵۶} و سفارت ایران اختر را محاکمه می‌کند که «این امضاء کیست و مقصود از این تفصیل چه؟» دولت ایران به سراغ «عبدالله»های تبریز هم می‌رود به طوری که اختر ناچار می‌شود آن را نام مستعار خبرنگارش اعلام کند.^{۵۷}

از مسائل دیگری که برای دولت ایران گران تمام شد مقاله‌ای از اختر بود که در آن عنوان کرده بود دولت ایران در نظر دارد سواحل جنوب شرقی دریای خزر را به روس‌ها بفروشد. این مقاله چنان شاه را برآشفته که دو نفر از وزراء را مأمور کرد تکذیبیه آن را در روزنامه اطلاع چاپ کنند.^{۵۸} مسأله بعد مطالبی بود که اختر از قول خبرنگار خود در تهران راجع به اوضاع آشفته وزارتخانه‌های ایران نوشت.^{۵۹} در دربار، میرزا یوسف خان مستشارالدوله را نگارنده آن پنداشتند. به همین سبب او را مجازات کردند.^{۶۰}

راهی که اختر در پیش گرفته بود، برای دولت ایران غیرقابل تحمل شد. پس با همکاری دولت عثمانی مدت ۱۸ ماه اختر در محاق تعطیل فرو رفت و این طولانی‌ترین تعطیلی اختر بود. بعد از این مدت نیز وقتی که اختر اجازه چاپ یافت و نسخه‌های آن به حضور شاه رسید، به دستور او مجدداً اختر به ایران ممنوع‌الورود شد.^{۶۱}

نوبت بعد که دوباره اختر مدت زیادی به تعطیلی کشانده شد، مربوط به امتیاز

تنباکو است. اختر نخستین منبعی است که اطلاعات دقیقی راجع به آن امتیاز به مردم ایران می‌دهد. اختر به نقل از روزنامه صباح به تشریح شرایط قرارداد می‌پردازد و ضررها و خسارات آن را بازگو می‌کند و از زبان صاحب امتیاز می‌گوید: «انحصار توتون ایران و شرایط آن به سهل‌ترین وجهی دست داد.»^{۶۲}

چند هفته بعد اختر با صاحب‌امتیازی رژی که برای آمدن به ایران از اسلامبول می‌گذشت، مصاحبه‌ای ترتیب داد و زوایسای دیگری از امتیازنامه را آشکار کرد.^{۶۳} اما این شماره علی‌رغم نظر بعضی

اگر «پاره وقایع ناگوار» را برای روزنامه بفرستد می‌ترسد باز اختر تعطیل شود و اگر از «ترقیات» بنویسد، می‌ترسد روزنامه مستهجم به «مزاج جوویی و مزاج‌گویی» شود.^{۶۷}

اختر همیشه از «صدمات مالی و جانی» که به واسطه تعطیلی‌های پی‌درپی بر آن وارد می‌شود سخن می‌گوید.^{۶۸} به جز خشم حکومت ایران از انتقادهای صریح اختر و بیان حقایق مگو، آنچه اصولاً حکومت ایران و اختر را در نقطه مقابل هم می‌نهاد، آن بود که ناصرالدین‌شاه عقیده داشت «نوکرهای من و مردم مملکت باید

سیاحتنامه ابراهیم بیگ تعقیب و آزار می‌کند شکایت می‌برد، شاه در پای آن می‌نویسد: «اگر منظور این شخص طبع روزنامه است که اجازه داده نخواهد شد.»^{۷۲} ارتباط با حکومت ایران حوزه‌ای است

که باید کارنامه اختر را نیز در آن بررسی کرد. به گمان نگارنده اختر نه سخنگو و توجیه‌گر حکومت ایران بود و نه به ایجاد یک انقلاب و دگرگونی عمده در سطوح سیاسی جامعه ایران می‌اندیشید - همچون قانون که حکومت علما به رهبری میرزای شیرازی را پیشنهاد می‌کرد -^{۷۳} اختر نگاهی واقع‌بینانه به جامعه ایران داشت، و طریق «اصلاح بدون خشونت» را پیش گرفته بود. آنجا که ناچار می‌شد با سیاست‌های حکومت ایران همسو شود در واقع هنر بقا در جامعه‌ای استبداد زده را به خرج می‌داد و می‌دانست رمز ماندن و سخن گفتن همین است. مانند قانون با کلی‌گویی‌ها و بلندپروازی‌ها، دهان خود را نمی‌بست. در عین حال با چاپ قانون اساسی عثمانی و صدها قانون و قرارنامه و قرارداد لزوم برقراری قانون را به مخاطبان خود می‌فهماند. او نمی‌خواست همچون قانون صدها مجمع مخفی چند صد نفری در ایران جعل کند و به این وسیله دولتمردان را بترساند بلکه روزنامه اختر تصویری واقعی از جامعه ایران ارائه می‌داد و می‌خواست نواقص آن برطرف شود. اختر در پاسخ به این سؤال که چرا در مشرق زمین، آزادی مطبوعات کم است، حکومت‌ها را مسؤول نمی‌داند و حتی از نبودن قانون سخن نمی‌گوید بلکه جان مطلب را در آن می‌بیند که «هنوز ترقیات مدنیت و آگاهی عمومی در افراد اهالی و جمعیت اقوام بشریه به درجه مطلوب نرسیده»^{۷۴} و روزنامه‌ها هم «به نسبت ترقیات اهالی خواهد بود.»^{۷۵} پس نخستین تکلیف روزنامه را آن می‌بیند که «اهالی را از حدود حقوق شخصیه و ملیه آگاهی بیفزایند» بدون آن که «سخنان بیرون از اندازه ادراک آنها» بگویند.^{۷۶}

همچنان که ده سال پس از بسته شدن

■ در سال چهارم ولیعهد یک طاقه شال‌کرمانی و ظل‌السلطان یک طاقه شال و پنجاه تومان پول برای اختر می‌فرستد.

■ عناصر ترقی‌خواه حکومت از جمله امین‌الدوله وزیر پست کابینه امین‌السلطان روی خوشی به اختر نشان می‌دادند.

■ اختر در سی‌وهفتمین شماره خود مسأله ممنوعیت بیان حقایق برای احراز از «تخدیش اذهان» را به نقد می‌کشد و آن را «خلاف اساس مطبوعات» می‌نامد.

جز از ایران و عوالم خودشان از جایی خبر نداشته باشند. بالمثل اگر اسم پاریس یا بروکسل نزد آنها برده شود، ندانند این دو خوردنی است یا پوشیدنی.»^{۶۹} به همین منظور شاه حتی از مسافرت افراد به اروپا هم جداً ممانعت می‌کرد.^{۷۰} در حالی که روزنامه اختر شعار خود را در شماره نخست خود اعلام کرد که: «مبنای ترقیات جهان... بدستاری اطلاعات و معلومات است و بس.»^{۷۱} همین اختلاف اساسی بود که در سال ۱۳۲۱ وقتی که میرزای مهدی تبریزی در نامه‌ای به مظفرالدین‌شاه از این که سفارت ایران او را به اتهام نوشتن کتاب

از پژوهشگران در ایران توزیع نشد^{۶۴} و اختر دوباره مدت هفت‌ماه به تعطیلی کشانده می‌شود. یک‌بار مقاله‌ای از اختر چنان‌شاه را عصبانی می‌کند که از امین‌السلطان می‌خواهد آن را «جداً قدغن سخت» کند، حتی چاپارهای سفارت‌های خارجی هم از آوردن اختر ممنوع شدند.^{۶۵} -گفتنی است اختر در مواقع ممنوعیت از راه اخیر وارد کشور می‌شد.^{۶۶} اختر در طول حیات خود مجموعاً چهارسال و دو ماه تعطیل شد و همین هراس مشکل خاصی را برای آن فراهم آورده بود و این‌را از زبان خیرنگار خود از تهران می‌نویسد که

اختر و وقوع انقلاب مشروطیت معلوم شد، تز اختر صحیح بوده است.

ب: رابطه اختر با دولت‌های روس، انگلیس، عثمانی

در عصری که اکثر جریان‌ها، اشخاص و مراکز قدرت به نوعی - واقعاً یا ظاهراً - به یکی از قدرت‌های مسلط وابسته بودند، سخن گفتن از «استقلال» روزنامه دیرپایی چون اختر کار دشواری است. نخست به رابطه اختر با دولت عثمانی می‌پردازیم که از همه پیچیده‌تر است. اختر در اسلامبول منتشر می‌شود. زیر نظر و کنترل شدید اداره مطبوعات وابسته به وزارت داخله آن دولت. این اداره در طول این مدت سه بار «اخطارنامه» برای اختر فرستاد و با شش «تعطیلنامه» اختر را ناچار به سکوت کرد که طولانی‌ترین آنها حدود هشت‌ماه طول کشید.^{۷۷}

سخت‌گیری به حدی بود که گاهی به «مختصر سهوی برسر یک کلمه» روزنامه چند هفته تعطیل می‌شد.^{۷۸} دولت عثمانی در سال‌های آخر شدیداً عرصه را بر اختر تنگ کرده بود و در نهایت نیز حکم به تعطیلی دائم آن داد.^{۷۹} اختر همیشه از «تکالیف شاقه» ای که اداره مطبوعات از او می‌خواست گلایه می‌کرد و تعطیلی را بر پذیرش آنها ترجیح می‌داد.^{۸۰} بی‌گمان موجباتی که باعث شده بود در سال ۱۲۹۳ سلطان عثمانی از تعطیلی موقت اختر «اظهار تکدر» کرده و نسبت به انتشار آن «خیلی اظهار تمایل» کند.^{۸۱} در سال ۱۳۱۴ کم شده یا از بین رفته بود. دلیل عمده آن هم این بود که اختر برخلاف این نظر که می‌گوید: «به‌طور روزافزونی تحت نفوذ دولت عثمانی قرار گرفت»^{۸۲} راهی مستقل از آن دولت بسرگزید.^{۸۳} چگونگی اختر می‌توانست تحت نفوذ دولت عثمانی باشد در حالی که در هجدهمین سال زندگیش هنوز دولتمردان ایران آن را «در مقابل روزنامه‌های عثمانی آلت حرب و سلاح» می‌دیدند.^{۸۴} سیاست اختر در این حوزه، نزدیکی دولت ایران و عثمانی و

رفع نقارها از طریق پاسخ‌گویی به شایعاتی بود که از طرف روزنامه‌های اروپایی در روزنامه‌های ترک منعکس می‌شد. مثلاً در سال ۱۲۹۳ در اوج خصومت روس - عثمانی به پاسخ‌گویی و رفع شبهه روزنامه حوادث می‌پردازد که بنابر تلگرافی از لندن نوشته بود تعدادی از افسران روسی به ایران رفته‌اند و ایران آماده لشکرکشی و تصرف بغداد شده است.^{۸۵} یا در ماجرای شیخ‌عبیدالله روزنامه اختر در مقابل روزنامه‌های ترک که خواسته‌اند «شیخ را مردی و عصیان رانگی» بدهند، می‌ایستد^{۸۶} و به دفاع از مواضع دولت ایران می‌پردازد و حتی شیخ‌عبیدالله را

امری که مسلم است به ضرر دولت ایران تمام می‌شد - اختر زیرکانه می‌نویسد: «عجیب است از دولت انگلیس که با آن همه اقتدار خود... محافظت سرحدات ممالک متصرفه خود را از دیگران متوقع است... و همیشه درخیال آن است که بی‌مزد و اجرتی دیگران را آلت مدافعه سرحدات خود کند»^{۸۷} همچنین راجع به امتیاز آزادی کشتی‌رانی در کارون که دولت روسیه نسبت به آن شدیداً اعتراض کرد، اختر سیاستی ضدروسی به خود می‌گیرد و به این استدلال که چون دولت ایران «دارای استقلال است» پس نسبت به چنان امتیازی آزاد است^{۹۰} به پاسخ‌گویی دولت

■ از مسائل دیگری که برای دولت ایران گران تمام شد مقاله‌ای از اختر بود که در آن عنوان کرده بود دولت ایران در نظر دارد سواحل جنوب شرقی دریای خزر را به روس‌ها بفروشد.

■ راهی که اختر در پیش گرفته بود، برای دولت ایران غیرقابل تحمل شد. پس با همکاری دولت عثمانی مدت ۱۸ ماه اختر در محاق تعطیل فرو رفت و این طولانی‌ترین تعطیلی اختر بود. بعد از این مدت نیز وقتی که اختر اجازه چاپ یافت و نسخه‌های آن به حضور شاه رسید، به‌دستور او مجدداً اختر به ایران ممنوع‌الورود شد.

و روزنامه‌های روسی می‌پردازد.

«شیخ‌الاشرار» لقب می‌دهد.^{۸۷}

۲. رابطه اختر با دولت انگلیس

بنا بر جدولی که اختر در سال ششم انتشار خود از مشترکینش ارائه داد، وزارت معارف انگلستان مشترک صدنسخه از روزنامه اختر است. این را باید نه نشانه وابستگی یا تمایل اختر بلکه جلوه‌ای از «لیبرالیسم» غربی دانست. اختر مشخصاً علیه سیاست‌های خارجی انگلیس موضع می‌گیرد. خصوصاً مواقعی که این دولت تلاش می‌کند در رابطه با آسیای میانه، ایران را به جنگ با روسیه بکشانند، اختر زیرکانه مسأله هرات را پیش می‌کشد که

۱. رابطه اختر با دولت روس

اختر نمی‌توانست تمایلات روسی داشته باشد چرا که تحت نظارت دقیق دولتی بود که در آن زمان با روسیه به مخاصمه و حتی جنگ خونینی پرداخته بود. سال (۱۲۹۳-۹۴) اختر راجع به پیشروی‌های روسیه در آسیای مرکزی چنین هشدار می‌دهد که «شعله این آتش سرکش خرمن مسلمانی را تماماً خواهد سوخت»^{۸۸} و جالب‌تر آن‌که وقتی انگلستان از این اقدامات روسیه متوحش شده و دولت ایران را به مقابله می‌خواند -

«دولت ایران به ملاحظه... خساراتی که از انگلستان در مسأله هرات و غیردیده است هیچ‌گاهی بدین سخنان اهمیت نداده» به جنگ با دولت همسایه خود نمی‌پردازد.^{۹۱} با همین تصور وقتی که به نقل از روزنامه تأیمر تجاوزات روس‌ها را به ایران برمی‌شمارد با این تحلیل که روسیه در دست‌اندازی به آسیای مرکزی و حتی خراسان رسیدن به هند را در نظر دارد نتیجه می‌گیرد «سبب عمده این همه صدمات که از دولت روس به دولت ایران وارد آمده انگلستان است.»^{۹۲} به همین دلیل وقتی خیر ورود اولین کنسول انگلیس به کرمان را نقل می‌کند می‌گوید:

«این طایفه متمدن در مشرق زمین به هر دیار که پای گذاشته‌اند امنیت و آسایش، آنجا را به درود گفته است.»^{۹۳}

در اینجا مجال آن است مختصری درباره نظرات اختر و فرهنگ غرب سخن بگوییم. باید گفت دیدگاهی که معتقد است این روزنامه «مروج افکار غرب از آن سوی مرزهای ایران» بوده^{۹۴} یا نگاهی جامع به اختر ندارد یا مفاهیمی چون قانون، آزادی، دانش‌جویی، آموزش زبان و... را اساساً غربی می‌پندارد. اختر جلوه‌های مثبت تمدن غربی را می‌ستاید و بر علم دوستی و دانش‌جوای غربی رشک می‌برد، دستاوردهای علمی آنها را منعکس می‌کند و از این‌که ما «تحصیل علم را چیز زاید» می‌دانیم و گمان می‌کنیم «علم تنها دانستن پاره‌ای از ضروریات دینی است»^{۹۵} افسوس می‌خورد. آزادی را مقوله‌ای قابل ستایش می‌داند چرا که «ستم‌ها را ناپدید می‌نماید و تعدیات و تحکیم‌های غیرمحققانه را از میان برمی‌دارد»^{۹۶} اما فوراً بر آزادی قید می‌نهد که منظور «مطلق‌العنانی و هرزه خیالی و بی‌شرمی»^{۹۷} نیست. اختر معتقد است با آن‌که به واسطه بالارفتن سطح تمدن در غرب بشر به پیشرفت‌هایی رسیده اما با اشاره به جنگ‌ها و رقابت‌های اروپا و استعمار ملل دیگر می‌گوید: «وحشیگری

این اصل که روزنامه‌آختر آینه دردها و مشکلات جامعه ایران بود و یکی از شدیدترین ستم‌های وارد بر این جامعه فشارهای مالیاتی بود اما می‌بینیم نه تنها این مسأله انعکاس بسیار اندکی در اختر دارد بلکه در جای جای خود بر این انگشت می‌نهد که «مالیات دیوانی رعیت ایران امروز از مالیات همه ملت‌ها کمتر است.»^{۱۰۵} راز مسأله در این است که اختر تنها طبقات و اصناف شهری را روبه‌روی خود می‌بیند و این حقیقت که طبقات و اصناف شهری یا هیچ مالیاتی نمی‌دادند یا مالیات اندکی به دولت می‌پرداختند را دیگر ناظران عصر نیز اظهار کرده‌اند.^{۱۰۶} از

بسیار وحشتناکی»^{۹۸} در میان آنها شایع شده است و اذعان دارد در آمریکا و اروپا «به درجه که امر محسنات تمدن ترقی می‌کند کجی‌ها و ناراستی‌ها و شرارت نیز به همان پایه بالا می‌رود»^{۹۹} او «تقلید ما بر فرنگی‌ها» را اسباب خرابی ملیت و وطن می‌داند^{۱۰۰} و بر فرنگی مآبانی که می‌پندارند مدنیت و انسانیت عبارت از این است که «دو کلمه زبان خارجی یاد گرفته در اکل و شرب و لباس و پاره‌ای عادات و اطوار مذمومه از اجانب پیروی نمایند»^{۱۰۱} طعن‌های شدید می‌زند.^{۱۰۱} در همین رابطه حتی تمایلات غربی مردم و دستگاه حاکمه عثمانی را نیز شدیداً به نقد

■ **اختر همیشه از «صدمات مالی و جانی» که به واسطه تعطیلی‌های پی‌درپی بر آن وارد می‌شد سخن می‌گوید.**

■ **در عصری که اکثر جریان‌ها، اشخاص و مراکز قدرت به نوعی - واقعاً یا ظاهراً - به یکی از قدرتهای مسلط وابسته بودند، سخن گفتن از «استقلال» روزنامه‌دیرپایی چون اختر کار دشواری است.**

میان طبقات شهری دو صنفی که بیشترین ارتباط را با اختر داشتند، تجار و جمعی از دیوانیان بودند. میرزاظاهر پیش از آن‌که واردکار روزنامه شود، به تجارت مشغول بود. بعد از آن نیز ارتباطش با این پیشه قطع نشد به حدی که «بیشتر ممر معاشش از تجارت می‌گذشت.»^{۱۰۷} پس نامعقول نیست که روزنامه به این پایگاه اجتماعی نگاهی دایمی داشته باشد. اختر از ابتدا تا انتهای حیاتش ستونی داشت به نام «صرافی» که در آن نرخ برابری ارزهای خارجی را با واحد پول عثمانی می‌نوشت و گاهی نیز قیمت سهام شرکت‌ها را ذکر می‌کرد. این ستون فقط به درد تجار

می‌کشید.^{۱۰۲} اختر از این‌که بعضی از دانشمندان اروپا قوانین اسلام را مغایر مدنیت می‌دانند تعجب می‌کند و آنها را به شناخت واقعی اسلام فرا می‌خواند^{۱۰۳} و بالاخره به ملت‌های مشرق زمین توصیه می‌کند «بی‌مداخله بیگانه» پا به مراحل ترقی و اصلاحات بگذارند و در دین و آیین خود «به استقامت باشند.»^{۱۰۴}

ج. مخاطبان اختر چه کسانی بودند در اولین تقسیم‌بندی باید بگوییم مخاطبان اختر طبقات شهری بودند. این سخن از قوانین زیادی آشکار می‌شود که عمده‌ترین آن توضیح زیر است: با پذیرش

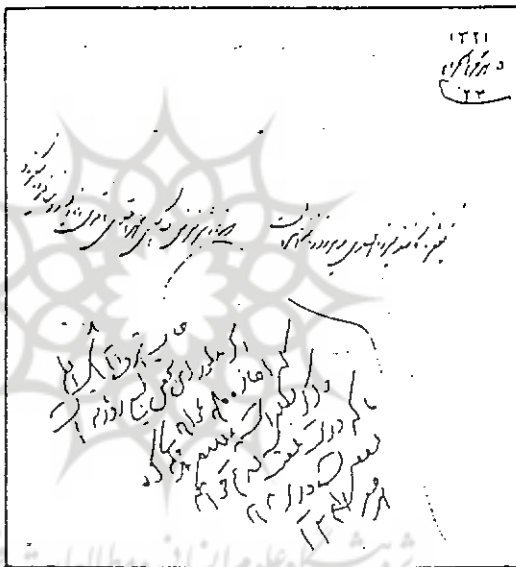
می خورد. اختر در اواسط عمرش ستونی را گشود که «معاملات ترانسیت ایران» نام داشت و در آن مال التجاره‌ای که از مرزهای عثمانی وارد و خارج ایران می شد را به اطلاع تجار می رساند. مدتی قیمت و مقدار فروش کالاهای تجاری را نیز در بازارهای اروپایی می نگاشت. قرینه دیگری که از آن می توان فهمید اختر در مراکز تجمع تجار خریداران بیشتری داشت. این است که براساس جدول مشترکین سال ششم - که ذکر آن رفت - اختر در تبریز و کسرمانشاهان که در شاهراه های ایران بودند، به ترتیب ۷۰ و ۴۰ مشترک داشت اما در اصفهان که در آن

و حکومتیان نیز با اختر رابطه داشتند. میرزا یوسف خان مستشارالدوله مقالات خود را برای این روزنامه می فرستاد^{۱۰۸} و چنان که گفتیم، وزراء و حکام ایالات و ولایات برای اختر کمک نقدی می فرستادند، شاید به این سبب که این طیف از افراد جامعه علاقه مند یا نیازمند اطلاعات صحیح سیاسی از جهان خارج و همچنین کشور خود بودند و اختر بنا بر اطلاع رسانی خوب و تحلیل های دقیق خواسته آنها را اجابت می کرد. اختر نه قانون بود که داشتند پرمخاطره باشد که البته هیچ جز کلی گویی و دروغ و کلمات دور از ادب نداشت^{۱۰۹} و

خود از اداره اختر در اسلامبول می نویسد: «پنج شش نفر اجزاء از قبیل کاتب و مترجم و غیره دارد»^{۱۱۰} مدیریت این مجموعه با آقا محمد طاهر تبریزی قراچه داغی بود. او از مدت ها پیش از انتشار اختر در اسلامبول ساکن شده و به تجارت مشغول بود.^{۱۱۱} همان ناظر ایرانی او را مردی «با فضل، ساکت، پخته، ملایم و صاف و ساده» توصیف می کند. بی گمان در میان طیف نویسندگان اختر او شخص میانه رو به حساب می آمده است زیرا وقتی که در سال ۱۳۱۰ در نامه ای از دولت ایران انحصار چاپ قرآن و دیگر کتب را درخواست می کند، شاه بدون آن که خشمگین شود، مسأله را به نظر اعتماد السلطنه ارجاع می دهد.^{۱۱۲} در سال

۱۳۱۳ نیز این شخص خانه شخصی خودش را در اسلامبول محل جشنی برای پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه می کند.^{۱۱۳} میرزا محمد طاهر تا سال ۱۳۳۰ زنده بود و دو کتاب در زمینه زبان فارسی در اسلامبول به چاپ می رساند.^{۱۱۴} دومین نفر از مجموعه اختر محمد مهدی اختر تبریزی است. او «منشی اول» روزنامه بود و در سال ۱۳۰۷ از طرف دولت ایران و به تصویب سفارت، او و محمد طاهر نشان شیر و خورشید گرفتند.^{۱۱۵} گمان بر این می رود که کتاب سیاحتنامه ابراهیم بیگ اثر او باشد^{۱۱۶} به همین اتهام نیز در سال ۱۳۲۰ سفارت ایران در اسلامبول او را مورد تعقیب و آزار قرار داد به حدی که او به مظفرالدین شاه تظلم برد و از این اتهام خود را مبرا دانست.^{۱۱۷} میرزا مهدی تا اوایل سال ۱۳۲۶ در قید حیات بود.^{۱۱۸}

میرزا نجفعلی خان دانش تبریزی نیز از دیگر نویسندگان اختر بود. او در ابتدا طلبه علوم دینی بود. شاید به همین خاطر هم فراهانی راجع به او می گوید «اسلامیتش غلبه دارد»^{۱۱۹} پس از آن کارمند و سرترجمان سفارت ایران در اسلامبول شد. در سال ۱۲۹۴ معین الملک او را به خدمت اداره اختر فرستاد.^{۱۲۰} بنا به اظهار



نامه میرزا مهدی
مدیر روزنامه
اختر به
مظفرالدین شاه

نه روزنامه ایران بود که حاوی اخباری کوتاه، ناقص، سانسور شده و بی تحلیل باشد. بنابراین چرا افشاری که به هر حال علاقه مند به روزنامه بودند، آن را انتخاب نکنند؟ این نکته نیز گفتنی است که در میان طبقات شهرنشینی که توانا به خواندن روزنامه بودند، روحانیون جلوه ای بسیار ناچیز در اختر داشتند. این روزنامه به ندرت توجهی به آنها نشان می داد و این حاکی از آن است که آنان نیز تمایلی به خواندن اختر نداشتند.

روز در نقطه کور تجارت ایران بود، تنها ۲۶ مشترک داشت. اگر اختلاف ارقام را تنها در دوری و نزدیکی به مرز عثمانی بدانیم، باید بگوییم چگونه است که مشترکین اختر در شیراز پنج نفر بیشتر از اصفهان بودند. در پاسخ به این پرسش باید یادآوری کرد که شیراز در آن روزها به واسطه ارتباط تجاری با انگلیس و هند به یک مرکز تجاری در جنوب تبدیل شده بود. مسأله ای که به دلیل فقدان راه ارتباطی مناسب، اصفهان از آن محروم بود. پس اختر تجار ایران که قشر درس خوانده مطلع جامعه بودند را تحت پوشش خود داشت. علاوه بر آنها عناصری از دیوانیان

د. گردانندگان اختر

در سال ۱۳۰۳ ناظری ایرانی در گزارش

جلد اول، چاپ اول، انتشارات ستوده، تهران:

۱۳۷۴، ص ۲۰۲.

۸. خصومت میان دو دولت به حدی بود که در سال ۱۲۷۷ عثمانی‌ها مانع آن می‌شدند که ایرانیان برای تأسیس سفارتخانه خانه‌ای اجاره کنند. (نامه میرزا حسین‌خان سپهسالار به شاه، خان ملک ساسانی، ص ۸).

۹. میرزا علی‌خان امین‌الدوله. خاطرات سیاسی امین‌الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمایان،

چاپ سوم، امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۰، ص ۹۶.

۱۰. خان ملک ساسانی، ص ۲۰۵.

۱۱. روزنامه اختر، ش ۴۰، سال ۴، ۱۲ شوال ۱۲۹۵ ص ۳۲۳.

۱۲. روزنامه اختر، ش ۲۷، سال ۲، ۲۶ محرم ۱۲۹۳.

۱۳. روزنامه اختر، ش ۱، سال ۱، ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲.

۱۴. همان جا.

۱۵. خان ملک ساسانی، ص ۲۰۶.

۱۶. روزنامه اختر، ش ۵۹، سال ۲، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۹۳.

۱۷. روزنامه اختر، ش ۶۱، سال ۲، ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۳.

۱۸. خان ملک ساسانی، ص ۲۰۵.

۱۹. یکی این که قیمت اشتراک خود را در ابتدا تنها به پول عثمانی یعنی ۸ مجدیبه سفید می‌نوشت.

۲۰. روزنامه اختر، ش ۲۷، سال ۲، ۲۶ محرم ۱۲۹۳.

۲۱. روزنامه اختر، ش ۳۲، سال ۲، ۴ صفر ۱۲۹۳.

۲۲. همان جا.

۲۳. روزنامه اختر، ش ۱۶، سال ۳، ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۴.

۲۴. روزنامه اختر، ش ۴، سال ۳، ۲۳ محرم ۱۲۹۴.

۲۵. قابل ذکر است که نخستین بار اشتراک سالیانه اختر در تبریز سه تومان و پنج ریال، در تهران و باقی ایران ۴ تومان، در روسیه ۱۰ منات و در اروپا ۳۰ فرانک اعلام شد. این قیمت‌ها بعدها به مرور افزایش یافت.

۲۶. روزنامه اختر، ش ۵۳، سال ۳، ۲ رمضان ۱۲۹۴، ص ۳۸۵.

۲۷. روزنامه اختر، ش ۱۳، سال ۶، ۲۸ ربیع‌الاول ۱۲۹۷، ص ۱۰۶.

۲۸. روزنامه اختر، ش ۲۹، سال ۲۰، ۲۲ رجب ۱۳۱۱، ص ۴۵۵.

۲۹. روزنامه اختر، ش ۲۳، سال ۲۱، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۱۲، ص ۳۳۶.

۳۰. محمد صدرهاشمی. تاریخ جراید و مجلات ایران، چاپخانه راه نجات، چاپ اول (اصفهان ۱۳۲۷) جلد ۱، ص ۶۳.

۳۱. رحیم رئیس‌نیا. همان کتاب، جلد ۱، ص ۳۶۰.

۳۲. روزنامه اختر، ش ۱۹، سال ۴، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۲۹۵، ص ۳۴۹.

۳۳. روزنامه اختر، ش ۴۴، سال ۴، ۱۰ ذیقعدہ ۱۲۹۵، ص ۳۴۹.

۳۴. روزنامه اختر، ش ۳۶، سال ۶، ۶ ذیقعدہ ۱۲۹۷، ص ۲۸۲.

۳۵. روزنامه اختر، ش ۱۹، سال ۸، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۹۹، ص ۱۴۱.

■ اختر نمی‌توانست تمایلات روسی داشته باشد چرا که تحت نظارت دقیق دولتی بود که در آن زمان با روسیه به مخاصمه و حتی جنگ خونینی پرداخته بود.

■ بنا بر جدولی که اختر در سال ششم انتشار خود از مشترکینش ارائه داد، وزارت معارف انگلستان مشترک صدنسخه از روزنامه اختر بود.

نظر خود اختر،^{۱۳۱} ۵۰ شماره نخست آن مزین به سرمقاله‌های او بود. در هریک از آنها او به تشریح و توصیف یکی از ارزش‌های انسانی چون راستکاری، آزادی و حریت، قانون و... می‌پرداخت که شاید در پاگرفتن اختر و جلب نظر مخاطبان مؤثر بود. او در سال ۱۳۰۵ ژنرال کونسول ایران در مصر شد و ۴ سال بعد جهان را وداع گفت.

۵. نویسندگان اختر

وقتی از نویسندگان اختر سخن می‌گوییم، باید چند نکته را به خاطر داشته باشیم. اول مقالات اختر بسیار و به ندرت با نام واقعی اشخاص چاپ می‌شد. دوم حجم قابل توجهی از نوشته‌های اختر نامه‌های خوانندگان آن بود که آنها را نیز باید جزو نویسندگان آن روزنامه محسوب کرد. به هر حال از میان کسانی که در اختر قلم زده‌اند، طیف وسیعی از «روشنفکران بورژوا - لیبرال و اصلاح طلب گرفته تا دموکرات‌های انقلابی میهن پرست» وجود داشتند.^{۱۳۲} رحیم رئیس‌نیا در بررسی اختر این افراد را جزو نویسندگان مقالات آن روزنامه می‌داند: میرزا یوسف خان مستشارالدوله؛ دیپلمات روشنفکر ایرانی و نویسنده کتاب یک کلمه؛ میرزا حسین خبیرالملک؛ کارمند وزارت خارجه و جزو سه نفری که بعدها به دست محمدعلی شاه

پی‌نویس‌ها:

۱. روزنامه اختر، ش ۱، سال ۱، ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲.

۲. روزنامه اختر، ش ۷، سال ۱۰، ۳ صفر ۱۲۹۴، ص ۲۳.

۳. میرزا حسین فراهانی، سفرنامه، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۴۲، ص ۱۵۰.

۴. خان ملک ساسانی، یاد‌های سفارت اسلامبول، چاپ اول، چاپخانه فردوسی، تهران: ۱۳۴۵، ص ۹۵.

۵. روزنامه اختر، ش ۲۶، سال ۶، اول رجب، ۱۲۹۰، ص ۲۰۵.

۶. روزنامه اختر، ش ۳، سال ۲۲، ۱۶ محرم ۱۳۱۳، ص ۳۲.

۷. رحیم رئیس‌نیا. ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم،

۳۶. روزنامه اختر، ش ۴۶، سال ۲۰، ۲۳ ذیقعده ۱۳۱۱، ص ۷۲۱.
۳۷. روزنامه اختر، سال ۱۱، ۱۴ شوال ۱۳۰۲، ص ۸.
۳۸. سند ضمیمه پایان نامه.
۳۹. روزنامه اختر، ش ۳۰، سال ۲۰، ۲۹ رجب ۱۳۱۱، ص ۴۶۵.
۴۰. روزنامه اختر، ش ۱۲، سال ۲۲، ۱ جمادی الاول ۱۳۱۳، ص ۱۳.
۴۱. همان جا.
۴۲. روزنامه اختر، ش ۱۶، سال ۱۸، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۰۹، ص ۸۲.
۴۳. روزنامه اختر، ش ۱، سال ۱۸، ۱۱ صفر، ۱۳۰۹، ص ۶.
۴۴. روزنامه اختر، ش ۹، سال ۱۵، ۳ ربیع الاول ۱۳۰۶، ص ۷۰.
۴۵. روزنامه اختر، ش ۲۱، سال ۱۷، ۲۵ جمادی الاول ۱۳۰۸، ص ۱۱۶.
۴۶. روزنامه اختر، ش ۳۹، سال ۲۲، ۲۲ ذیقعده ۱۳۱۳، ص ۶۰۲.
۴۷. سیدهادی خسروشاهی، «روزنامه اختر و سیدجمال‌الدین اسدآبادی». کیهان‌اندیشه، ش ۵۲، (بهمن و اسفند ۱۳۷۳)، ص ۱۴۱-۱۳۵.
۴۸. رحیم رئیس‌نیا، همان کتاب، جلد ۱، ص ۲۸۰، به نقل از سرهنگ سی - ای - بیت، نماینده فرمانداری کل هندوستان در بلوچستان به وزیر امورداخله هندوستان.
۴۹. جرح‌ن. کرزن. ایران وقته ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی تهران: ۱۳۷۳، جلد ۱، ص ۶۰۹ و ادوارد براون، تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران، ترجمه محمد عباسی، بی‌تا، بی‌جا، جلد ۲، ص ۱۴۵ و یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، چاپ دوم، انتشارات عطار و فردوسی تهران: ۱۳۶۱، جلد ۱، ص ۲۰۰.
۵۰. یحیی دولت‌آبادی، ج ۱، ص ۲۰۰.
۵۱. روزنامه اختر، ش ۴، سال ۳، ۲۳ محرم ۱۲۹۴.
۵۲. روزنامه اختر، ش ۳۹، سال ۴، ۵ شوال ۱۲۹۵، ص ۳۱۳.
۵۳. روزنامه اختر، ش ۷، سال ۸، ۱۳ صفر ۱۲۹۹، ص ۵۲.
۵۴. روزنامه اختر، ش ۳۷، سال ۲، ۱۱ صفر ۱۲۹۳، ص ۵۵.
۵۵. روزنامه اختر، ش ۴۷، سال ۳، ۲۱ رجب ۱۲۹۴.
۵۶. روزنامه اختر، ش ۴۰، سال ۴، ۱۲ شوال ۱۲۹۵، ص ۳۲۳.
۵۷. روزنامه اختر، ش ۴۸، سال ۴، ۹ ذیحجه ۱۲۹۵، ص ۳۸۷.
۵۸. محمدحسن اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه با مقدمه ایرج افشار، چاپ دوم امیرکبیرا تهران: ۱۳۵۰، ص ۱۲۰.
۵۹. روزنامه اختر، ش ۴۱، سال ۸، ۱۰ شوال ۱۲۹۹، ص ۲۲۳.
۶۰. اعتمادالسلطنه، ص ۱۹۶.
۶۱. همان منبع، ص ۳۷۹.
۶۲. روزنامه اختر، ش ۱۳، سال ۱۷، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۰۸، ص ۱۰۰.
۶۳. روزنامه اختر، ش ۲۳، سال ۱۷، ۹ جمادی الآخر ۱۳۰۸، ص ۳۰۴.
۶۴. روزنامه اختر، ش ۱۰، سال ۱۸، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۰۹، ص ۷۹.
۶۵. گوئی کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، چاپ اول، آگاه، جلد ۱، ص ۱۲۱، سند ضمیمه پایان نامه.
۶۶. یحیی دولت‌آبادی، جلد ۱، ص ۱۲۵.
۶۷. روزنامه اختر، ش ۱۱، سال ۱۳، ۱۹ ربیع الاول ۱۳۰۴، ص ۸۴.
۶۸. روزنامه اختر، ش ۲۴، سال ۲۱، ۴ رجب ۱۳۱۲، ص ۳۵۱.
۶۹. علی خان امین‌الدوله، ص ۱۲۳.
۷۰. عبدالله مستوفی شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، چاپ دوم، زوار، تهران: بی‌تا، جلد ۱، ص ۶۶۱.
۷۱. روزنامه اختر، ش ۱، سال ۱، ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲.
۷۲. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امورخارجه، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۰، جلد ۵، ص ۳۵۰.
۷۳. روزنامه قانون، ش ۲۹، انتشارات کویر، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۹.
۷۴. روزنامه اختر، ش ۳۰، سال ۴، ۲ شعبان ۱۲۹۵، ص ۲۴۰.
۷۵. همان‌جا.
۷۶. همان‌جا.
۷۷. روزنامه اختر، ش ۱، سال ۱۹، ۱ شعبان ۱۳۱۰، ص ۱.
۷۸. روزنامه اختر، ش ۹، سال ۲۳، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۱۴، ص ۱۳۰.
۷۹. محمد صدرهاشمی، جلد ۱، ص ۶۳.
۸۰. روزنامه اختر، ش ۲۹، سال ۱۵، ۲۸ شوال ۱۳۰۶، ص ۴۰۹.
۸۱. خان ملک‌ساسانی، ۲۰۵، نامه معین‌الملک به وزارت خارجه.
۸۲. حامد الگار، میرزا ملک‌خان، ترجمه جهانگیر عظیمیا و مسجد نفیسی، چاپ اول، انتشارات مدرسه، تهران: ۱۳۶۹، ص ۱۹۴.
۸۳. انتشار اندیشه «پان اسلامیه» که حامد الگار به عنوان مدعی سخن خود می‌آورد تنها در اختر به روز نکرد بلکه بخشی از محافل روشنفکری آن روزگار و حتی روزنامه‌های داخلی مثلاً فرهنگ اصفهان، ش ۷۵، سال ۲، ۲۸ ذیحجه ۱۲۹۷ را نیز به خود مشغول کرده بود.
۸۴. سند ضمیمه نامه ناظم‌الدوله به شاه.
۸۵. روزنامه اختر، ش ۶۱، سال ۲، ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۳.
۸۶. روزنامه اختر، ش ۴۵، سال ۶، ۸ ذیحجه ۱۲۹۷، ص ۳۳۸.
۸۷. روزنامه اختر، ش ۴۷، سال ۶، ۱۸ ذیحجه ۱۲۹۷، ص ۳۴۷.
۸۸. روزنامه اختر، ش ۴۶، سال ۱۴، ۲۲ ذیقعده ۱۳۰۵، ص ۳۶۵.
۸۹. روزنامه اختر، ش ۱۸، سال ۱۶، ۷ جمادی الاول ۱۳۰۷، ص ۱۴۸.
۹۰. روزنامه اختر، ش ۱۵، سال ۱۵، ۱۵ ربیع الاول ۱۳۰۱، ص ۱۱۳.
۹۱. روزنامه اختر، ش ۱۱، ۲۱ ذیقعده ۱۳۰۲، ص ۵۴.
۹۲. روزنامه اختر، ش ۳۱، سال ۱۶، ۱۰ شعبان ۱۳۰۷، ص ۲۴۹.
۹۳. روزنامه اختر، ش ۴، سال ۲۲، ۲۳ محرم ۳۱۳، ص ۵۴.
۹۴. محمد خاتمی، غرب‌گرایی و اسلام‌سنجی در
- روزنامه‌های صدر مشروطیت، ادبیات معاصر، سال اول، اردیبهشت ۱۳۷۵، ص ۴۸.
۹۵. روزنامه اختر، ش ۱۳، سال ۴، ۲۹ ربیع الاول ۱۲۹۵، ص ۹۹.
۹۶. روزنامه اختر، ش ۱۳، سال ۴، ۲ محرم ۱۲۹۳.
۹۷. روزنامه اختر، ش ۹، سال ۱۳، ۱ شوال ۱۳۰۴، ص ۳۰۴.
۹۸. روزنامه اختر، ش ۳۶، سال ۱۴، ۱۲ رمضان ۱۳۰۵، ص ۲۸۴.
۹۹. روزنامه اختر، ش ۷، سال ۲۳، ۱۷ صفر ۱۳۱۴، ص ۱۰۹.
۱۰۰. روزنامه اختر، ش ۵۶، سال ۳، ۲۵ رمضان ۱۲۹۴، ص ۴۱۰.
۱۰۱. روزنامه اختر، ش ۴، سال ۲۱، ۱۲ صفر ۱۳۱۲، ص ۴۶.
۱۰۲. روزنامه اختر، ش ۳۶، سال ۴، ۱۴ رمضان ۱۲۹۵، ص ۳۸۹.
۱۰۳. روزنامه اختر، ش ۳۲، سال ۴، ۱۵ شعبان ۱۲۹۵، ص ۲۵۹.
۱۰۴. همان‌جا.
۱۰۵. روزنامه اختر، ش ۳۸، سال ۲۲، ۱۵ ذیقعده ۱۳۱۳، ص ۴۶۳.
۱۰۶. لرد کرزن، ج ۲، ص ۵۶۴ و کنت دوگوبینو، سه سال در آسیا، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، شرکت کتاب‌سرا، چاپ اول، تهران: ۱۳۶۷، ص ۳۷۹.
۱۰۷. میرزا حسین فراهانی، ص ۳۱۵.
۱۰۸. روزنامه اختر، ش ۲۲، سال ۶، ۳ جمادی الآخر ۱۲۹۷، ص ۱۷۴، نکته جالب آن‌که مقالات ابن شخص از معدود مقالاتی بود که با نام واقعی به چاپ می‌رسید.
۱۰۹. معلوم نیست چرا بعضی از محققین اختر و قانون را بسیار با هم همسو فرض کرده تا جایی که اختر را پدر روزنامه قانون نام نهاده‌اند. رحیم رئیس‌نیا، همان کتاب جلد ۱، ص ۲۷۸.
۱۱۰. میرزا حسین فراهانی، ص ۳۱۶.
۱۱۱. رحیم رئیس‌نیا، جلد ۱، ص ۴۲۲.
۱۱۲. میرزا حسین فراهانی، جلد ۱، ص ۴۲۲.
۱۱۳. روزنامه اختر، ش ۱، سال ۲۳، ۴ محرم ۱۳۱۳، ص ۷.
۱۱۴. رحیم رئیس‌نیا، جلد ۱، ص ۴۲۵.
۱۱۵. روزنامه اختر، ش ۳۶، سال ۱۶، ص ۲۸۷.
۱۱۶. محیط طباطبایی. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت، چاپ اول، تهران: ۱۳۶۶، ص ۸۴.
۱۱۷. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد ۵، صص ۳۵۲-۴.
۱۱۸. محیط طباطبایی، همان‌جا.
۱۱۹. میرزا حسین فراهانی، ص ۱۴۹.
۱۲۰. خان‌ملک ساسانی، ص ۲۰۶، نامه معین‌الملک به وزارت خارجه.
۱۲۱. روزنامه اختر، ش ۴۸، سال ۸، ۴ ذیحجه ۱۲۹۹، ص ۳۱۷.
۱۲۲. رحیم رئیس‌نیا، همان کتاب، جلد ۱، ص ۲۷۷.
۱۲۳. روزنامه اختر، ش ۱۲، سال ۲۰، ۲۲ ربیع الاول ۱۳۱۱، ص ۱۸۲.
۱۲۴. یحیی دولت‌آبادی، جلد ۱، ص ۱۲۶.
۱۲۵. رحیم رئیس‌نیا، جلد ۱، ص ۲۰۲.